

۶۴. دین حضرت ابراهیم

یهودیان، مسیحیان و مسلمانان همه ابراهیم فرستاده خدا را مؤمن خداوند میدانند. کفاره گناهان فقط توسط بی گناهی که سنبل آن بره بود امکان پذیر است. این حقیقت اگر چه در دنیای بت پرستان گم شده بود توسط افراد خاصی در هر قرن و نژاد محفوظ ماند تا میرسیم بدوران آن شخص عالیمقام که پدر مومنین و خلیل الله لقب داده شده - ابراهیم حنیف. این مرد خدا در اور کلدانیان و بین امت بت پرست زندگی میکرد. پدرش تارح در بین بت پرستان بود. روزی خداوند بر ابراهیم ظاهر شده دستور داد تا خانه اش و شهرش و میهنش را ترک کرده بسوی مکانی برود که بتواند در آنجا خداوند را با خلوص نیت پرستش نماید. یهودیان و مسیحیان و مسلمانان همه او را جد روحانی خود می دانند. قرآن مجید راجع به او چنین اظهار میدارد: «ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی بلکه از همه کیشها بدین اسلام گرائید و بر دین اسلام استوار بود.» (آل عمران ۶۷).

هر جا این شخص مؤمن می رفت مذبحی بنا میکرد که بر جمیع رهگذران شهادت می داد که ایمانداری در آنجا بوده است. چرا او نزد خداوند مقبول شد؟ آیا بعلت اجداد وی؟ زبان وی؟ خیر. بلکه چون بخدا بطور کلی تسلیم شده بود. در روز بازپسین موفقیت نجات یافتگان نه بدلیل پیروی از یک دین بلکه بعلت تسلیم

صادقانه در برابر امر خدا امکان پذیر خواهد بود. «از نظر دین نیکوتر از آنکس کیست که خود را برای خدا تسلیم کند، در حالی که او نیکو کار باشد و از آئین معتدل ابراهیم پیروی نماید؟ و خداوند ابراهیم را دوست خود گرفت.» (النساء ۱۲۵).

از قربانی عظیمی که خداوند از ابراهیم مطالبه کرد آگاهید:

«خدا خواست ابراهیم را امتحان کند. پس او را ندا داد: ای ابراهیم!

ابراهیم جواب داد: "بلی خداوندا!"

«خدا فرمود: "یگانه پسر را که بسیار دوستش می داری برداشته، به سرزمین

موریا برو و در آنجا وی را بر یکی از کوههایی که به تو نشان خواهم داد بعنوان

هدیه سوختنی، قربانی کن!"» (پیدایش ۲۲:۲۱).

حضرت ابراهیم سخت آزمودن شد اما دلیل آنکه او را حنیف می

خوانند آنست که ایمان پاک و بی ریای خود را در اطاعت کامل از فرمان خدا

ثابت کرد خداوند بر وفاداری و صداقت ابراهیم چگونه نظر کرد؟ «آن زمانی که

ابراهیم را پروردگارش به اموری چند آزمود و او آنها را بآخر بانجام رسانید خداوند

گفت البته من ترا برای مردم پیشوا خواهم گردانید.» (سوره البقره ۱۲۴).

بنابراین اهل ایمان با ابراهیم ایمان دار، برکت می یابند (غلاطیان ۲:۹).

نجات عظیمی که نصیب فرزند ابراهیم گردید بخاطر آورید. آن پسر مؤمن که خود

را بخدای پدرش تسلیم کرده بود حاضر بقربانی نفس بود. آن دو را در نظر بگیرید

- پدر مقدس یگانه فرزندش را بر روی مذبح خشن بسته، دستش را با چاقو بر

عزیزش بلند کرد تا آن را بقلبش فرو برد که ناگهان صدائی از آسمان فرو رسید و گفت: «کاردار بر زمین بگذار و به پسر آسیمی نرسان. الآن دانستم که مطیع خدا هستی، زیرا یگانه پسر را از او دریغ نداشتی.» آنگاه ابراهیم قوچی را دید که شاخهایش در بوته ای گیر کرده است. پس رفته قوچ را گرفت و آن را در عوض پسر خود بعنوان هدیه سوختنی قربانی کرد.» (پیدایش ۱۲:۲۲ و ۱۳).

این سؤال پیش می آید - که آیا ابراهیم فرزندش را قربانی کرد؟ در واقع می توان گفت که آری ولی فرزندش کشته نشد. مکتوبست که «و فذیناه بذبح عظیم» (الصافات ۱۰۷). و او را به ذبیحه ای بزرگ فدا دادیم.

قبل از اجرای قربانی، فرزند از پدر سؤال کرده بود، «پدر، ما هیزم و آتش با خود داریم، اما بره قربانی کجاست؟» ابراهیم در جواب گفت: «پسر، خدا بره قربانی را مهیا خواهد ساخت.» (پیدایش ۲۲:۸ و ۷).

البته فرزند ابراهیم توسط ذبیحه عظیمی فدیة شد. خداوند قوچی را در عوض پسر آماده کرده بود، ولی آیا آن قوچ که در بیشه گیر کرده بود حقیقتاً ذبیحه عظیم بود؟ خیر. حاشا از اینکه آن قوچ زبان بسته را ذبیحه عظیم بدانیم. در حقیقت آن ذبیحه عظیم که به جای فرزند ابراهیم قربانی شد همانا «بره خداست» (که سنبل او قوچ مذکور بود) که آدم و حوا و نوح و ابراهیم و تمام انبیاء مقدس در انتظارش بودند.

قبل از خاتمه این برنامه باید هشدار داد مبادا برای رفع جرم گناه به

قربانی کردن جانوری اتکا کنیم! هرگز ممکن نیست بره ساده جریمة گناه آدم را پردازد. محال است قوچ چهارپای برای گناه انسان فدیة شود! هزار بار خیر - قربانی بت پرستان هرگز مقبول پروردگار نخواهد شد. میکای نبی سؤال کرده چنین جواب میدهد: «وقتی برای عبادت خداوند، خدای قادر مطلق می آییم، چه چیز بحضور او بیاوریم؟ آیا اگر بهترین گوساله ها را برای او قربانی کنیم او از ما راضی خواهد شد؟ اگر هزاران گوسفند و ده هاهزار نهر پر از روغن زیتون به او تقدیم کنیم او از ما خشنود خواهد گردید؟ آیا اگر فرزند ارشد خود را برای گناه خود قربانی کنیم او گناه ما را خواهد بخشید؟ خداوند به ما فرموده است که از ما چه می خواهد. آنچه او از ما می خواهد این است که رحم و انصاف داشته باشیم و با کمال فروتنی احکامش را بجا آوریم.» (میکاه ۶:۶-۸).

حیوانات بی تقصیر که قربانی می شدند فقط سنبل یا نمونه ای بودند از آنکه به «بره خدا» معرفی شده - آن فرد بیگناهی که گناهان بشر را بعهده گرفته بنا بود به جای او ذبح شود.

کتاب مقدس همواره تعلیم می دهد که قوچ زبان بسته هرگز نتوانست ذبیحه ای برای گناه کسی بشود یا بعوض گناه شخص فدیة شود. آن قوچ نمونه ای بود از فدیة ای که خداوند برای نجات نه فقط یک نفر، بلکه برای تمام ایمانداران تهیه نمود.

موضوع برنامه بعدی ما راجع به یگانه منبع رستگاری میباشد.